

نظام بخشی تحدید اینترنت



کامبیز نوروزی

حقوق دان

هر متن قانونی هر چند ماده که باشد، یک

نقطه محوری و هسته کانونی دارد که شاید مختصر باشد ولی بنیاد اصلی آن متن را تشکیل می‌دهد. عده‌ای از نمایندگان مجلس طرحی را تهیه کرده‌اند به نام «نظام‌بخشی فضای مجازی»؛ تلاش مجددی است برای محدودکردن هرچه بیشتر کاربران اینترنت و تشدید محدودیت‌های بیشتر بر محیط وب. مبنای طرح نظام‌بخشی فضای مجازی، ایجاد تشکیلات غیرپاسخ‌گو، دارای اختیارات مطلق و بی‌ضابطه است که در نهان هرچه بخواهد انجام دهد بدون آنکه مسئولیتی بر گردن بگیرد. چنین ساختاری از نظر حقوقی یک ضد قانون است. در بند الف ماده یک آمده است: «شورای عالی فضای مجازی عالی‌ترین رکن حکمرانی و تنها مرجع دارای صلاحیت برای وضع سیاست‌های لازم برای فضای مجازی در چارچوب قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی است». با این تعریف این دستگاه حتی از دولت و مجلس و شورای عالی امنیت ملی نیز بالاتر است. ایجاد چنین حسی از قدرت برای یک نهاد مطلقا مغایر با اصول متعدد قانون اساسی است. اگرچه فعلا رئیس جمهور و چند وزیر در شورای عالی فضای مجازی عضویت دارند، ولی عضویت آنها جنبه فردی دارد. در طرح نظام‌بخشی فضای مجازی، دولت به عنوان یک شخصیت حقوقی هیچ جایگاهی ندارد و مسلوب‌الاختیار است، با توجه به اینکه حدود اختیارات نامحدود و انحصاری برای شورای عالی پیش‌بینی شده است، می‌توان گفت دولت حتی نمی‌تواند درباره فضای مجازی تصویب‌نامه صادر کند. باید توجه داشت که دولت تابع مقررات معینی است که در فرایند اقدامات خود به نهادهای مختلف پاسخ‌گوست، روند تصمیمات دولت معمولا آشکار است و مردم می‌فهمند که دولت چرا و چگونه در مورد چیزی تصمیم گرفته است. اما شورای عالی فضای مجازی، چنان‌که در تمام این سال‌ها نیز تجربه شده، نهادی پنهان‌کار است که هیچ خبر و گزارشی از مذاکرات و فرایندهای درون آن منتشر نمی‌شود و پشت درهای بسته عمل می‌کند. بند ت ماده ۳ کارگروهی ایجاد کرده است به نام «هماهنگی شوراهای عالی در حوزه فضای مجازی». در اینجا نیز دولت غایب است. اعضای این گروه عبارت‌اند از نمایندگان دبیرخانه‌های شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی امنیت ملی و شورای انقلاب فرهنگی. طبق بند پ از ماده ۵ اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات؛ اعضای این هیئت عبارت‌اند از یک قاضی، یکی از معاونان مرکز ملی فضای مجازی و یک متخصص حوزه خدمات فضای مجازی. باز هم دولت به‌طور کلی غایب است.نویسندگان طرح، دولت را به‌طور کامل از حوزه فضای مجازی حذف کرده‌اند و هیچ‌گونه نقش قابل اعتنایی برای دولت قائل نشده‌اند. در مقابل تا جایی که نتوانسته‌اند صلاحیت و حدود اختیارات شورای عالی فضای مجازی را در حالی افزایش داده‌اند که مقررات قانونی درباره چگونگی فعالیت و عملکرد شورا و پاسخ‌گویی آن در برابر ملت و نهادهای قانون اساسی وجود ندارد و در حوزه فضای مجازی مطلق العنان است. علت این نوع طراحی در سه کلمه ساده آشکار می‌شود که در این طرح نوشته شده و نوع نگاه نویسندگان را به‌خوبی نشان می‌دهد.طبق بند پ از ماده ۲ طرح مرکز ملی فضای مجازی، «مرکز عملیاتی امنیت سایبری» نامیده شده است. به‌کاربردن این تعبیر نشان می‌دهد که نویسندگان طرح حوزه فضای مجازی را با نگاه امنیتی به کاربران می‌بینند و برای آنها حقوقی مانند آزادی دسترسی به اطلاعات، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی دسترسی به اینترنت که از حقوق اساسی ملت است، اصلا جایگاهی ندارد و به آن اهمیت نمی‌دهند. قطعا مراقبت از امنیت محیط ضروری و راهبردی است ولی احترام به حقوق ملت را نمی‌توان کنار گذاشت و نقض کرد.طبق بند الف ماده ۶ قطع و تعلیق و محدودیت دسترسی کاربران به اینترنت یا به دلیل بدهی کاربر یا به دستور مقام قضائی انجام می‌شود. تا اینجا اشکال زیادی نیست. قسمت ۳ همین بند بیان می‌دارد: «وجود حکم یا دستور صریح سایر مراجع ذی‌صلاح» نیز می‌تواند موجب قطع دسترسی کاربر به اینترنت شود. این عبارت کلی و مبهم اختیارات وسیع و می‌زری ایجاد می‌کند که بدون دلیل موجه قانونی کاربر از حقوق قانون خود محروم شود. مرجع صالح کجاست؟ این مرجع مجهول به چه دلیل و با استناد به چه مقرراتی می‌تواند آحاد ملت را از حق قانونی خود محروم کند؟ این بند به منزله ایجاد یک قدرت نامحدود و بی‌ضابطه برای نقض آزادی‌های اساسی و قطعا خلاف قانون اساسی و نامشروع است. طرح نظام‌بخشی فضای مجازی در ماهیت و محتوا همان اهدافی را دنبال می‌کند که در طرح‌های قبلی که به طرح صیانت شهره شدند و جز ایجاد سلبه بر فضای مجازی، امکان ایجاد هرچه بیشتر محدودیت در محیط اینترنت و نقض حقوقی همچون آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات و مانند اینها را نداشتند چیزی را دنبال نمی‌کند.

چهارشنبه ۶ آبان ۱۴۰۵
۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۲۸ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۱۲
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

● نبرد ائتلاف‌ها در اسرائیل برای قدرت

هشدار کارشناسان درباره افزایش ساخت‌وساز در اطراف ایستگاه‌های موجود و آینده متروی تهران:

اول تراکم، بعد مترو؟

گزارش تیتریک را در صفحه ۴ بخوانید



«شرق» نشست سه‌جانبه سران ایران، روسیه و قطر در مسکو را در امتداد رایزنی‌های چهارجانبه تهران بررسی می‌کند

همه در تکاپوی مهار جنگ

یادداشت

تهدید به نام فرصت

نقدی بر روایت «اقتصاد جنگ»



محمدرضا یوسفی‌شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

بنابراین، این دیدگاه به تخریب گسترده اقتصادی بی‌توجه است. تصور نگارنده این است که جنگ فرصت ازبین‌بردن «ریل‌های فاسد اقتصادی» را می‌دهد؛ اما مطالعات تجربی همراه با تحلیل منطقی نشان می‌دهد جنگ معمولا شفافیت را کاهش می‌دهد: قراردادهای ویژه، کنترل‌های قیمتی، کمبود کالا، بازار سیاه، رانت ارزی و قاچاق افزایش می‌یابد. در جنگ ممکن است برخی رانت‌ها جابه‌جا شوند، اما فساد به‌طور سیستماتیک کم نخواهد شد و در اغلب موارد، پنهان‌تر می‌شود. باید توجه داشت که جنگ در دل یک ساختار اقتصادی موجود رخ می‌دهد و اگر ساختار اقتصادی رانتی باشد، آن را تشدید می‌کند. تصور نگارنده این است که جنگ فرصتی برای مبارزه با فساد ایجاد می‌کند. این امر ناشی از تلقی ساده از چگونگی شکل‌گیری و رشد پدیده فساد است. فساد در ایران از مرحله فساد فردی و سازمان‌یافته گذشته و به فساد سیستماتیک تبدیل شده است؛ از این رو ساختار سیاسی و اقتصادی کشور به شدت درگیر آن شده است. مبارزه با فساد نیازمند شفافیتی، بازخوانی قوانین و حاکمیت

یادداشت

هزینه‌ای که در بودجه دیده نمی‌شود

چرا نگهداری زیرساخت‌ها باید پیش از افتتاح پروژه‌های تازه دیده شود؟



امیراحمد شیشه‌گر

صبیحی را تصور کنید که خانواده‌ای برای بردن کودک به مدرسه از خیابانی می‌گذرد که آسفالت آن بارها وصله شده است. چند کوچه آن‌طرف‌تر، مدیر یک کارگاه برای خرابی شبکه آب یا قطع مکرر یک خدمت عمومی برنامه جایگزین می‌چیند. در بیمارستانی، دستگاهی که به تعمیر به‌موقع نیاز دارد، روزهای بیشتری از خدمت خارج می‌ماند. هیچ‌یک از این صحنه‌ها لزوما خبر بزرگی نیست، اما هر کدام یک سؤال مشترک دارند: چرا ساختن زیرساخت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها دیده می‌شود، ولی نگهداری آن اغلب تا زمان خرابی به حاشیه می‌رود؟ بحث فقط فرسودگی خیابان و ساختمان نیست؛ هر دارایی عمومی از لحظه افتتاح وارد دوره‌ای طولانی از هزینه و مسئولیت می‌شود. مدرسه به ایمنی و تعمیر نیاز دارد، شبکه آب به پایش نشستی، راه به نگهداری پیشگیرانه و سامانه دیجیتال به امنیت و به‌روزرسانی. اگر بودجه فقط هزینه ساخت را برجسته کند، تصویری ناقص از تعهدی به دست می‌دهد که سال‌ها ادامه خواهد داشت. در این تصویر، بردن روان آسان‌تر از تأمین اعتبار نگهداری است؛ زیرا هزینه امروز آشکار است و منفعت پیشگیری از خرابی کمتر قابل نمایش است. این مسئله در روزهای مطرح می‌شود که صندوق بین‌المللی پول در گزارش «بایش مالی» اکتبر ۲۰۲۶ نسبت به فشار فزاینده بدهی، هزینه بهره و تعهدات بودجه‌ای هشدار داده است. پیام آن گزارش صرفا افزایش بدهی نیست؛ دولت‌ها در برابر انتخاب‌های سخت‌تری قرار می‌گیرند. وقتی منابع محدود می‌شود، نخستین قربانی گاه هزینه‌ای است که حذفش امروز اعتراض فوری ایجاد نمی‌کند؛ بازرسی، تعمیر، نوسازی تدریجی و نگهداری. اما همین صرفه‌جویی ظاهری ممکن است فردا به بازسازی اضطراری و هزینه‌ای سنگین‌تر تبدیل شود. این رابطه، برای هر کشوری باید با داده‌های خود آن کشور سنجیده شود. در اقتصاد بخش عمومی، تفاوت مهمی میان «هزینه ساخت» و «هزینه چرخه عمر» وجود دارد. تصمیم درست درباره یک پروژه فقط به رقم قرارداد اولیه وابسته نیست؛ باید مجموع هزینه‌های بهره‌برداری، تعمیر، جایگزینی و حتی جمع‌آوری یا تغییر کاربری آن در طول عمر دارایی نیز بررسی شود. ممکن است گزینه‌ای که هنگام ساخت ارزان‌تر است، به دلیل مصرف



تأکید بر تحقق شروط ایران
برای پایان جنگ در دیدار
سرلشکر رضایی با رهبر انقلاب

۲

برگزیده‌ها

بسیاری از ایستگاه‌های خط ۲ متروی اصفهان آماده افتتاح است، اما کارشناسان درباره ایمنی عبور تونل از حریم مسجد جامع عتیق تردید دارند

خطر بیخ گوش مسجد هزار ساله

احتمال گردهمایی رهبران آمریکا، روسیه و چین، مقایسه با کنفرانس تاریخی سال ۱۹۴۵ را برانگیخته است

سه قدرت بزرگ در سایه یالتا

گفت‌وگوی احمد غلامی با محمدابراهیم محبوب به مناسبت انتشار «درباره ذهن»

بلاهت مصنوعی

شرکت‌های هواپیمایی از خسارات سنگین در جنگ و سیاست‌های تاکارآمد وزارت راه و شهرسازی گزارش می‌دهند

متولی علیه صنعت هوایی

نگاه

آسیب‌شناسی یک گزاره: «مملکت قانون دارد»

یادداشتی از ابراهیم ایوبی

یادداشت

بازگشت «لولا» و امید

تحلیلی بر دلایل شگفتی و پیامدهای آن



محمدحسین عمادی

در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و هم‌زمان با انتخابات اسرائیل، نتیجه دور دوم رای‌گیری ریاست‌جمهوری برزیل به یکی از شگفتی‌سازترین رویدادهای سیاسی جهان تبدیل شد. پیروزی لوئیز ایناسیو لولا دا سیلوا، آن‌هم در انتخاباتی بسیار نزدیک و در برابر جریان راست افراطی، بسیاری از محاسبات و پیش‌بینی‌های سیاسی جهان را برهم زد. این انتخابات صرفا رقابتی میان دو نامزد نبود، بلکه به آزمونی برای دموکراسی، توان جامعه مدنی و آینده سیاسی آمریکای لاتین تبدیل شد. لولا در شرایطی به پیروزی رسید که در دور اول انتخابات از رقیب خود بازمانده بود؛ رقیبی که از حمایت‌های گسترده در بخش‌هایی از ساختار قدرت، رسانه‌های جریان راست و شبکه‌های اقتصادی، غول‌های فناوری و نهضت‌های مذهبی مسیحی برخوردار بود. بااین حال، مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، سیاسی و ارتباطی، امکان پیروزی او را فراهم کرد؛ عواملی که نشان می‌دهند در دنیای سیاست معاصر، هیچ نتیجه‌ای از پیش قطعی نیست و عنصر انسانی و سازمان‌دهی اجتماعی می‌تواند حتی در برابر نابرابرترین شرایط، معادلات را تغییر دهد.

انتخاباتی فراتر از رقابت دو نامزد

اهمیت انتخابات برزیل از آنجا ناشی می‌شد که جامعه با انتخابی میان دو برنامه سیاسی متفاوت روبه‌رو بود. یک سو، جریان راست افراطی قرار داشت که بر قطعی‌سازی، ملی‌گرایی تهاجمی و بی‌اعتمادی به نهادهای دموکراتیک تکیه می‌کرد و سوی دیگر، لولا قرار داشت که سابقه‌ای طولانی و تجربه میدانی موفق در اصلاح سیاست اجتماعی و دفاع از حقوق فردستان داشت. ازاین‌رو، انتخابات به همه‌پرسی درباره آینده دموکراسی در قبال سلطه نظام سرمایه‌داری جهانی تبدیل شد.

ادامه در
صفحه ۲

ادامه در
صفحه ۶